

مثل عُمالِ الكرَم

¹فَإِنَّ مَلَكَوَتِ السَّمَاوَاتِ يُشَبِّهُ رَجُلًا، رَبَّ بَيْتٍ، خَرَجَ مَعَ الصُّبْحِ لِيَسْتَأْجِرَ فَعَلَةً لِكَرْمِهِ. ²فَاتَّفَقَ مَعَ الْفَعَلَةِ عَلَى دِيْنَارٍ فِي الْيَوْمِ وَأَرْسَلَهُمْ إِلَى كَرْمِهِ. ³ثُمَّ خَرَجَ تَحَوُّ السَّاعَةِ الثَّالِثَةِ وَرَأَى آخِرِينَ قِيَامًا فِي السُّوقِ بَطَالِينَ، ⁴فَقَالَ لَهُمْ: اذْهَبُوا أَنْتُمْ أَيْضًا إِلَى الْكَرْمِ فَأَعْطِيكُمْ مَا يَحِقُّ لَكُمْ، فَمَضَوْا. ⁵وَخَرَجَ أَيْضًا تَحَوُّ السَّاعَةِ السَّادِسَةِ وَالثَّاسِعَةِ وَقَعَلَ كَذَلِكَ. ⁶ثُمَّ تَحَوُّ السَّاعَةِ الْخَامَةِ عَشْرَةَ خَرَجَ وَوَجَدَ آخِرِينَ قِيَامًا بَطَالِينَ، فَقَالَ لَهُمْ: لِمَاذَا وَقُفْتُمْ هَهُنَا كُلُّ النَّهَارِ بَطَالِينَ؟ قَالُوا لَهُ: لِأَنَّهُ لَمْ يَسْتَأْجِرْنَا أَحَدٌ. قَالَ لَهُمْ: اذْهَبُوا أَنْتُمْ أَيْضًا إِلَى الْكَرْمِ فَتَأْخُذُوا مَا يَحِقُّ لَكُمْ. ⁸فَلَمَّا كَانَ الْمَسَاءُ قَالَ صَاحِبُ الْكَرْمِ لَوَكِيلِهِ: ادْعُ الْفَعَلَةَ وَأَعْطِهِمْ الْأُجْرَةَ مُتَدِنًا مِنَ الْآخِرِينَ إِلَى الْأَوَّلِينَ. ⁹فَجَاءَ أَصْحَابُ السَّاعَةِ الْخَامَةِ عَشْرَةَ وَأَخَذُوا دِينَارًا دِينَارًا. ¹⁰فَلَمَّا جَاءَ الْأَوَّلُونَ طُفُّوا أَنَّهُمْ يَأْخُذُونَ أَكْثَرَ، فَأَخَذُوا هُمْ أَيْضًا دِينَارًا. ¹¹وَفِيمَا هُمْ يَأْخُذُونَ تَدَمَّرُوا عَلَى رَبِّ الْبَيْتِ ¹²قَائِلِينَ: هَؤُلَاءِ الْآخِرُونَ عَمِلُوا سَاعَةً وَاحِدَةً وَقَدْ سَاوَيْنَاهُمْ بِنَا تَحْنُ الَّذِينَ احْتَمَلْنَا ثِقَلَ النَّهَارِ وَالْحَرِّ. ¹³فَجَاوَبَ وَقَالَ لِرِجَالِهِ مِنْهُمْ: يَا صَاحِبُ، مَا ظَلَمْنَاكَ. أَمَا اتَّفَقْتَ مَعِيَ عَلَى دِينَارٍ؟ ¹⁴فَقَدْ أَخَذَ الَّذِي لَكَ وَإِذْهَبْ، فَإِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُعْطِيَ هَذَا الْآخِرَ مِثْلَكَ. ¹⁵أَوْ مَا يَحِلُّ لِي أَنْ أَفْعَلَ مَا أُرِيدُ بِمَالِي؟ أَمْ عَيْنُكَ شَرِيرَةٌ لِأَنِّي أَنَا صَالِحٌ؟ ¹⁶هَكَذَا يَكُونُ الْآخِرُونَ أَوَّلِينَ وَالْأَوَّلُونَ آخِرِينَ، لَأَنَّ كَثِيرِينَ يُدْعَوْنَ وَقَلِيلِينَ يُسْتَحْبَبُونَ.

يسوع يُنبئ بِقَتْلِهِ وَقِيَامَتِهِ مَرَّةً ثَالِثَةً

¹⁷وَفِيمَا كَانَ يَسُوعُ صَاعِدًا إِلَى أُورُشَلِيمَ أَخَذَ الْإِسْثِي عَشَرَ تَلْمِيزًا عَلَى الْإِهْرَادِ فِي الطَّرِيقِ وَقَالَ لَهُمْ: ¹⁸هَآ تَحْنُ صَاعِدُونَ إِلَى أُورُشَلِيمَ وَابْنُ الْإِنْسَانِ يُسَلَّمُ إِلَى رُؤَسَاءِ الْكَهَنَةِ وَالْكَتَبَةِ، فَيَحْكُمُونَ عَلَيْهِ بِالْمَوْتِ، ¹⁹وَيُسَلَّمُونَهُ إِلَى الْأَمَمِ لِكَيْ يَهْرَأُوا بِهِ وَيَجْلِدُوهُ وَيَصَلِبُونَهُ، وَفِي الْيَوْمِ الثَّالِثِ يَقُومُ.

يسوع يمدح الخادم

²⁰جَبِينِذٍ تَقَدَّمَتْ إِلَيْهِ أُمُّ ابْنِي رَيْدِي مَعَ ابْنَتَيْهَا وَسَجَدَتْ وَطَلَبَتْ مِنْهُ شَيْئًا. ²¹فَقَالَ لَهَا: مَاذَا تُرِيدِينَ؟ قَالَتْ لَهُ: قُلْ أَنْ يَجْلِسَ ابْنَايَ هَذَانِ وَاحِدٌ عَنْ يَمِينِكَ وَالْآخَرُ عَنِ الْيَسَارِ فِي مَلَكَوَتِكَ. ²²فَأَجَابَ يَسُوعُ وَقَالَ: لَسْتُ مَعَا تَعْلَمَانِ مَا تَطْلُبَانِ. أَتَسْتَطِيعَانِ أَنْ تَشْرَبَا الْكَاسَ الَّتِي

کارگران تاکستان

¹زیرا ملکوت آسمان صاحب خانه‌ای را ماند که بامدادان بیرون رفت تا عمله به جهت تاکستان خود به مزد بگیرد. ²پس با عمله، روزی یک دینار قرار داده، ایشان را به تاکستان خود فرستاد. ³و قریب به ساعت سوم بیرون رفته، بعضی دیگر را در بازار بیکار ایستاده دید. ⁴ایشان را نیز گفت: شما هم به تاکستان بروید و آنچه حق شما است به شما می‌دهم. پس رفتند. ⁵باز قریب به ساعت ششم و نهم رفته، همچنین کرد. ⁶و قریب به ساعت یازدهم رفته، چند نفر دیگر بیکار ایستاده یافت. ایشان را گفت: از بهر چه تمامی روز در اینجا بیکار ایستاده‌اید؟ گفتندش، هیچ کس ما را به مزد نگرفت. بدیشان گفت، شما نیز به تاکستان بروید و حق خویش را خواهید یافت. ⁸و چون وقت شام رسید، صاحب تاکستان به ناظر خود گفت: مزدوران را طلبیده، از آخرین گرفته تا اولین مزد ایشان را ادا کن. ⁹پس یازده ساعتیان آمده، هر نفری دیناری یافتند. ¹⁰و اولین آمده، گمان بردند که بیشتر خواهند یافت. ولی ایشان نیز هر نفری دیناری یافتند. ¹¹اما چون گرفتند، به صاحب خانه شکایت نموده، ¹²گفتند که: این آخرین، یک ساعت کار کردند و ایشان را با ما که متحمل سختی و حرارت روز گردیده‌ایم مساوی ساخته‌ای؟ ¹³او در جواب یکی از ایشان گفت: ای رفیق، بر تو ظلمی نکردم. مگر به دیناری با من قرار ندادی؟ ¹⁴حق خود را گرفته برو. می‌خواهم بدین آخری مثل تو دهم. ¹⁵آیا مرا جایز نیست که از مال خود آنچه خواهم بکنم؟ مگر چشم تو بد است از آن رو که من نیکو هستم؟ ¹⁶بنابراین اولین آخرین و آخرین اولین خواهند شد، زیرا خوانده شدگان بسیاریند و برگزیدگان کم.

دومین پیشگویی درباره مرگ و قیام عیسی

¹⁷و چون عیسی به اورشلیم می‌رفت، دوازده شاگرد خود را در اثنای راه به خلوت طلبیده بدیشان گفت: ¹⁸اینها، به سوی اورشلیم می‌رویم و پسر انسان به رؤسای کهنه و کاتبان تسلیم کرده خواهد شد و حکم قتل او را خواهند داد، ¹⁹و او را به امت‌ها خواهند سپرد تا او را استهزا کنند و تازیانه زنند و مصلوب نمایند و در روز سوم خواهد برخاست.

خدمت کردن بجای ریاست

²⁰ آنگاه مادر دو پسر زیدی با پسران خود نزد وی آمده و پرستش نموده، از او چیزی درخواست کرد. ²¹ بدو گفت: چه خواهش داری؟ گفت: بفرما تا این دو پسر من در ملکوت تو، یکی بر دست راست و دیگری بر دست چپ تو بنشینند. ²² عیسی در جواب گفت: نمی دانید چه می خواهید. آیا می توانید از آن کاسهای که من می نوشم، بنوشید و تعمیدی را که من می یابم، بیابید؟ بدو گفتند: می توانیم. ²³ ایشان را گفت: البته از کاسه من خواهید نوشید و تعمیدی را که من می یابم، خواهید یافت. لیکن نشستن به دست راست و چپ من، از آن من نیست که بدهم، مگر به کسانی که از جانب پدرم برای ایشان مهیا شده است. ²⁴ اما چون آن ده شاگرد شنیدند، بر آن دو برادر به دل رنجیدند. ²⁵ عیسی ایشان را پیش طلبیده، گفت: آگاه هستید که حکام امت ها بر ایشان سروری می کنند و رؤسا بر ایشان مسلطند. ²⁶ لیکن در میان شما چنین نخواهد بود، بلکه هر که در میان شما می خواهد بزرگ گردد، خادم شما باشد. ²⁷ و هر که می خواهد در میان شما مقدم بود، غلام شما باشد.

²⁸ چنانکه پسر انسان نیامد تا مخدوم شود، بلکه تا خدمت کند و جان خود را در راه بسیاری فدا سازد.

شفای دو کور توسط عیسی

²⁹ و هنگامی که از آریحا بیرون می رفتند، گروهی بسیار از عقب او می آمدند. ³⁰ که ناگاه دو مرد کور کنار راه نشست، چون شنیدند که عیسی در گذر است، فریاد کرده، گفتند: خداوندا، پسر داودا، بر ما ترجم کن! ³¹ و هر چند خلق ایشانرا نهیب می دادند که خاموش شوند، بیشتر فریادکنان می گفتند: خداوندا، پسر داودا، بر ما ترجم فرما! ³² پس عیسی ایستاده، به آواز بلند گفت: چه می خواهید برای شما کنم؟ ³³ به وی گفتند: خداوندا، اینکه چشمان ما باز گردد! ³⁴ پس عیسی ترجم نموده، چشمان ایشان را لمس نمود که در ساعت بینا گشته، از عقب او روانه شدند.

سَوْفَ أَشْرِبُهَا أَتَا، وَأَنْ تَصْطَلِعَا بِالصَّبْعَةِ الَّتِي أَصْطَلِعُ بِهَا أَنَا؟ قَالَا لَهُ: نَسْتَطَلِعُ. ²³ فَقَالَ لَهُمَا: أَمَّا كَأْسِي فَتَشْرَبَانِيهَا وَبِالصَّبْعَةِ الَّتِي أَصْطَلِعُ بِهَا أَنَا تَصْطَلِعَانِ. وَأَمَّا الْجُلُوسُ عَنْ يَمِينِي وَعَنْ يَسَارِي فَلَيْسَ لِي أَنْ أُعْطِيَهُ إِلَّا لِلَّذِينَ أُعِدُّ لَهُمْ مِنْ أَبِي. ²⁴ فَلَمَّا سَمِعَ الْعَشْرَةُ اغْتَاظُوا مِنْ أَجْلِ الْآخَوَيْنِ. ²⁵ فَدَعَاَهُمْ يَسُوعُ وَقَالَ: أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ أَنَّ رُؤَسَاءَ الْأُمَمِ يَسُودُونَهُمْ وَالْعُظَمَاءُ يَسَلْطُونَ عَلَيْهِمْ. ²⁶ فَلَا يَكُونُ هَكَذَا فِيكُمْ. بَلْ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ فِيكُمْ عَظِيمًا فَلْيَكُنْ لَكُمْ خَادِمًا. ²⁷ وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ فِيكُمْ أَوَّلًا فَلْيَكُنْ لَكُمْ عَبْدًا. ²⁸ كَمَا أَنَّ ابْنَ الْإِنْسَانِ لَمْ يَأْتِ لِيُخْدَمَ بَلْ لِيُخْدَمَ، وَلِيُبْدِلَ نَفْسَهُ فِدْيَةً عَنْ كَثِيرِينَ.

یسوع یشفی کفیفین فی آریحا

²⁹ وَفِيمَا هُمْ خَارِجُونَ مِنْ أَرِيحَا تَبِعَهُ جَمْعٌ كَثِيرٌ. ³⁰ وَإِذَا أَعْمَيَانِ جَالِسَانِ عَلَى الطَّرِيقِ، فَلَمَّا سَمِعَا أَنَّ يَسُوعَ مُجْتَازٌ صَرَخَا قَائِلَيْنِ: اِرْحَمْنَا، يَا سَيِّدُ، يَا ابْنَ دَاوُدَ. ³¹ فَاتَّهَرَهُمَا الْجَمْعُ لِيَسْكُتَا، فَكَاتَا يَصْرُخَانِ أَكْثَرَ قَائِلَيْنِ: اِرْحَمْنَا، يَا سَيِّدُ، يَا ابْنَ دَاوُدَ. ³² فَوَقَفَ يَسُوعُ وَتَوَادَاهُمَا وَقَالَ: مَاذَا تُرِيدَانِ أَنْ أَفْعَلَ بِكُمَا؟ ³³ قَالَا لَهُ: يَا سَيِّدُ، أَنْ تَنْفِتِحَ أَعْيُنَنَا. ³⁴ فَتَحَنَّنَ يَسُوعُ وَلَمَسَ أَعْيُنَهُمَا فَلَمَّوْفَتِ أَبْصَرَتْ أَعْيُنُهُمَا فَبَيَّعَاهُ.